

یادداشت

شهرداری به جای میراث؟ خداحافظ شهر قدیم!

اما آیا اصولاً منطقی است که بدون بوروکراسی دستگاهی اجرایی دست به کار شود؟

ایشان همچنین به ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها اشاره کرده‌اند که به موجب آن، شهرداری موظف است در زمینه احداث موزه‌ها و توسعه زیرساخت‌های گردشگری اقدام کند. گفته‌اند شوراهای اسلامی شهرها و دولت نیز مکلفاند شهروندان را برای مشارکت در گسترش مراکز گردشگری و تفریحی ترغیب کنند و به معرفی آثار تاریخی کشور، تسهیل صدور روایید برای گردشگران خارجی، بیمه گردشگران، نصب تابلوهای چندزبانه در اماکن تاریخی و حمایت مالی از بخش خصوصی در ایجاد مراکز حفظ فرهنگ سنتی و روستایی در سطح ملی بپردازد. در نهایت جناب عباسی چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که «واگذاری بخشی از وظایف اجرایی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری … به شهرداری‌ها» می‌تواند سرعت و کارآمدی بیشتری در حفاظت و معرفی میراث فرهنگی کشور ایجاد کند. گویا ایشان نمی‌دانند گردشگری خارجی در کشورمان به پایین‌ترین رقم رسیده و با ظلمی که شهرداری‌ها به طور سیستماتیک به بافت‌های تاریخی می‌کنند، به‌زودی چیز زیادی از میراث‌مان باقی نخواهد ماند که جاذب گردشگر باشد.

حال باید گفت که واگذاری اختیارات حاکمیتی وزارت میراث فرهنگی در حوزه حفاظت و مرمت به شهرداری‌ها به این سادگی نمی‌تواند باشد. در وضعیتی که شهرداری‌ها در پی رکود ساخت‌وساز در شهرها، با هزینه‌های جاری بالایی روبه‌رو هستند که معلوم نیست از کجا بخواهند تأمین‌شان کنند، این اختیارات می‌تواند فاجعه‌بار باشد، زیرا دست شهرداری برای بیشترین بهره‌برداری اقتصادی از بافت‌های قدیمی را باز می‌گذارد، بی‌آنکه تضمینی برای مرمت‌های شایسته توسط ارگانی ناآشنا با اصول مرمت فراهم شده باشد. از سوی دیگر، ۱۴ هزار بنای تاریخی در کشور شناسایی شده که تنها دو هزار بنا در اختیار وزارت میراث و مابقی در اختیار دستگاه‌ها و بخش خصوصی است و همه می‌دانیم که شهرداری‌ها عملاً به دنبال توسعه و نوسازی هستند که با نفس حفاظت از میراث در تضاد و تقابل است. بسیاری معتقدند که تنها راهکار این است که بعد از طبقه‌بندی بناها، بناهای ارزشمند با نظارت کارشناسان دلسوز میراث به سرمایه‌گذاران یا رزومه‌واگذار شود. در شرایطی که شهرداری تهران هر روز دارد در منطقه تاریخی از ۱۲ به پاساژ جدیدی اجازه ساخت‌وساز می‌دهد (نمونه مشخص در محله لاله‌زار که ۴۰ سال است منظر احیای کالبدی و فرهنگی است!) و همه متخصصان دوست‌دار میراث از این مکانیسم‌ها درّه و فغان‌اند، آیا می‌توان همین خرده‌اختیار سازمان میراث را به شهرداری سپرد؟ البته می‌دانیم که حفاظت، مرمت و بهره‌برداری از آثار تاریخی شهرها هیچ وقت کاملاً در دست سازمان میراث نبوده که امروز بخواهد از او گرفته و به شهرداری‌ها واگذار شود. بلکه این خود مردم و صاحبان املاک ارزشمند بوده‌اند که در نگهداری یا نابودی آنها منشأ اثر بوده‌اند و امروز نیز چنین خواهد بود. مسئله اینجاست که سازمان میراث تنها ممکن است با همین بوروکراسی مورد انتقاد دولت، بتواند جلوی تخریب‌های فاجعه‌بار را بگیرد.

از طرفی، برخی مدیران شهرداری روی این نکته تأکید می‌کنند که: ابنیه تاریخی نباید به فضاهای غیرقابل دسترس تبدیل شوند و جریان زندگی شهری باید در آنها حفظ شود. این حرفی منطقی است اما چه بسار خانه‌های ارزشمندی که ۲۰ سال پیش توسط شهرداری تهران در محدوده پامنار و خرابه‌های برازجان خریداری و به حال خود رها شد تا تخریب شود و مخروبه بماند. شهرداری برای احیای بافت‌ها برنامه ندارد و به خاطر روحیه شهرفروشی غالب، نمی‌تواند امروز سر رشته چنین کاری را در دست گیرد.

پس شکی نیست که با توجه به اهمیت جهانی و ملی برخی سایت‌ها با بناهای تاریخی در شهرهای کشورمان، تولید و نظارت بر احیای آنها همواره باید در دست میراث باقی بماند. اما برای میراث محلی و خانه‌های ثبت‌شده در فهرست میراث، دولت تنها توان سیاست‌گذاری و نظارت را دارد و این خود مردم‌اند که باید سرمایه‌گذاری‌های لازم برای احیا را با نظارت میراث و شهرداری انجام دهند. همچنین می‌توان پذیرفت که بسیاری از قوانین و دستورالعمل‌های کلی و دست‌وپاگیر را می‌شود اصلاح کرد. ما می‌دانیم طبق قانون و مصوبه دولت، ۱۶۸ (یا به عبارتی ۱۹۲ شهر) کشورمان دارای بافت‌های تاریخی هستند که نظارت بر تحولات آنها باید طبق طرح و نظارت بر اجرای دقیق طرح صورت پذیرد. در صحبتی که حدود یک ماه پیش با کارشناس ارشد گرامی و بانجربه‌ای در ستاد میراث داشتیم، او می‌گفت: در استان‌ها نمی‌توانیم و نباید اجرای کارهای حفاظتی را به دست استانداری‌ها و نیروهای محلی (شهرداری‌ها، مردم و حتی اداره میراث محل) بسپاریم. زیرا فشار منافع محلی تاکنون بارها فاجعه به بار آورده و نتیجه سپردن این امر به کار مشارکتی، همیشه منفی بوده است. حال آیا نشاندین شهرداری به جای میراث صلاح است؟

جلوهای از یک «ایران دوست» راستین و خادم میهن

به‌همین‌خاطر با تفکری والا و با گسترش نگاهش، به «ایران» فکر کرد و مرزهای اندیشه و باورش را به سراسر میهن و «ایران فرهنگی» توسعه داد. اگرچه این باور و موضع‌گیری، او را از برخی نزدیکان و دوستان سابقش دور کرد، اما وجهه‌ای به او بخشید که بعدها او را به درختی سرفراز و سایه‌افکن و چهره‌ای ملی برای ایرانیان بدل کرد. علاوه براین موارد که به آن پرداختم، مورد دیگری را هم خوب به یاد دارم که به‌روز غریب‌پور را در زمره باورمندان و همراهان «ایران‌گرایی» جای می‌دهد و این پیام شنیدنی و تأمل‌برانگیز او در ر‌فای درگذشت زنده‌یاد جواد طباطبایی بود که احترام و ارادت هر وطن‌دوستی را نسبت به استاد غریب‌پور برمی‌انگیزد. در کنار این موارد، افتادگی و بزرگ‌منشی و احترام را در برخورد او با دیگران از نزدیک دیدم و به همین جهت، بزرگداشت و نکوداشت مردان بزرگی مانند او را بر خود وظیفه می‌دانم.

امروز با آگاهی و معرفت و از عمق جان می‌گویم که این سندیجی، نه آن سندی‌جی است؛ او که از وفاداران و دوست‌داران «فردوسی بزرگ» است، نمادی از «ایران‌دوستی»، خدمت به میهن و چشم‌چراغ «ملت ایران» است و نمونه عمل خالصانه و بی‌منت برای کشور. دیرزی و شاد زی ای سرمایه نیک‌اندیش ایران‌زمین.

برگ سبز و سند کارخانه خودروی سواری سیستم سایپا

تیپ 131SE مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک انتظامی ۲۸ ط ۵۸۳ ایران ۸۴ شماره موتور ۵۰۵۰۴۷۳ شماره شاسی NAS411100D1345388 به نام **آقای حمید شهنساری پور گوغری** مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط می باشند.

مدرک تحصیلی اینجناب **محمدرضا قویدل** فرزند اسماعیل با

کدملی ۰۸۱۹۶۸۲۰۱۲ در مقطع کارشناسی رشته حسابداری خدمات تولیدات صنعتی صادره از دانشگاه علمی -کاربردی به شماره ۹۲۱۳۷۱۸۱۹۰۳۱ و تاریخ ۱۳۹۸/۵/۳۰ مفقود گردیده است. از باینده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه علمی -کاربردی به آدرس مشهد -بلوار شهدای مدافع سلامت تحویل دهد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت وسیله نقلیه کامیون کشنده

چنگ لانگ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۹۵- ۷۳۷ ع ۲۵ و شماره موتور 3J30008 VC6K124850K40L3J300008 و شماره شاسی N44T2G0LZLS000011 به نام **بدر الزمان منشی** مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

شرق: ترامپ عصر سه‌شنبه پا به خاک بریتانیا گذاشت و روز گذشته هم مورد استقبال رسمی خاندان سلطنتی قرار گرفت. دیداری کم‌سابقه که با استقبال رسمی و شکوه دربار همراه بود، اما تضاد اصلی میان شکوه ظاهری و بی‌ثباتی واقعی جهان نهفته است. این همان تضاد ماجراست؛ فاصله میان نمایش قدرت و تجمل در برابر بحران‌هایی که هیچ مراسمی قادر به پوشاندن آن نیست.

در قرن بیستم، تصویر رهبران آمریکا و بریتانیا در کنار هم نمادی از نظم قابل پیش‌بینی جهان بود. از نشست یالتا تا دوران جنگ سرد، اتحاد این دو دموکراسی با وجود تضاد منافع فراوان، دست‌کم تکیه‌گاهی مطمئن برای کشورهایی بود که با قحطی، جنگ یا آشوب دست‌وپنجه نرم می‌کردند. امروز اما چنین اعتمادی از میان رفته است.

دومین سفر رسمی ترامپ به بریتانیا در میانه مجموعه‌ای از بحران‌ها انجام می‌شود: جنگ اوکراین که هر روز خونین‌تر می‌شود، حملات تازه اسرائیل در غزه، تنش‌های جاری خاورمیانه و تشدید وقوفی داخلی در واشنگتن. این بار، تشریفات سلطنتی به‌سختی می‌تواند تصویر رهبران را از پس چنین آتشی نجات دهد. ترامپ پیش‌تر وعده داده بود جنگ اوکراین را «در یک روز» پایان می‌دهد. اما پس از نشست بی‌حاصل آلکاسا، روسیه حملاتش را شدت بخشیده و پهبادهایش را به خاک لهستان و رومانی نیز فرستاده است. نشست آلکاسا برای بسیاری در اروپا یادآور ضعف دستگاه سیاست خارجی واشگتن بود؛ تیم ترامپ با آمادگی اندک وارد شد، در حالی که کرملین با نقشه‌ای دقیق و سلسله‌ای از عملیات میدانی، نشان داد توان پیش‌دستی و تحمیل شرایط را دارد. برای متحدان شرقی ناتو، این تجربه به معنای تلخ بازگشت به دورانی بود که در برابر مسکو احساس تنهایی می‌کردند.

در غزه نیز اوضاع به‌شدت بحرانی است. اسرائیل در شهر غزه حملات تازه‌ای را آغاز کرده و هم‌زمان رهبران حماس را در قطر هدف قرار داده است؛ اقدامی که با وجود ناکامی، مذاکرات آتش‌س را به خطر انداخت. این عملیات فقط سه ماه پس از بمباران ایران توسط اسرائیل انجام شد؛ اقدامی که امیدها برای توافق هسته‌ای جدید را بر باد داد. رهبران عرب هشدار داده‌اند حمله به دوحه می‌تواند دستاوردهای «توافق ابراهیم» را نابود کند. همان توافقی که در دوره نخست ترامپ، نشانه‌ای از عادی‌سازی روابط اسرائیل با جهان عرب به شمار می‌رفت. اکنون، همان دستاورد در معرض فروپاشی است.

ترامپ در این سفر با فقط ۴۰ درصد محبوبیت در آمریکا و ۲۲ درصد در بریتانیا حاضر شد. استارمر نیز در وضعیتی مشابه قرار دارد؛ فقط یک‌چهارم مردم بریتانیا از او حمایت می‌کنند. حتی پادشاه چارلز سوم، با ۵۲ درصد محبوبیت، فقط اندکی بالاتر از خط بحران قرار دارد.

ایس اعداد فاصله زیادی با دوران چرچیل، روزولت و جورج ششم دارند؛ رهبرانی که با اتکا به حمایت مردمی توانستند در برابر هیتلر بایستند. امروز اما ۴۴ درصد بریتانیایی‌ها ترجیح می‌دادند ترامپ اصلاً با به لندن نگذارد، درحالی‌که ۴۰ درصد موافق ادامه این دیدار بودند. نتیجه روشن است: استقبال عمومی، تا حدی سرد و بی‌روح.

دومین سفر رسمی ترامپ به لندن زیر سایه جنگ‌ها و ناراضیاتی عمومی

اتحاد قدیم، تردید امروز



سایه رسوایی‌ها

ترامپ در میانه رسوایی‌های مربوط به جفری ایستین قرار دارد. او با انتقاد از پایگاه رای خود به دلیل عدم انتشار اسناد وزارت دادگستری درباره این پرونده روبه‌روست. شاهزاده اندرو نیز به خاطر همین ارتباط از انتظار عمومی کنار گذاشته شد. در بریتانیا، سفیر این کشور در واشنگتن، پیترو ماندلسون، درست پیش از سفر ترامپ برکنار شد، چراکه ایمیل‌هایی در حمایت از ایستین منتشر شده بود. این رسوایی‌ها، افکار عمومی را نسبت به سفر رسمی بدبین‌تر کرده است.

نمایندگان پارلمان خواستار تحقیق فوری درباره نحوه انتصاب ماندلسون شدند. همان‌طور که امیلی تورنبری، رئیس یکی از کمیته‌های مجلس عوام، گفت: «مردم حق دارند بدانند چرا در چنین موقعیتی دشوار، بدون سفیر در واشنگتن مانده‌ایم». کارشناسان دانشگاه کمبریج معتقدند دوران «دیپلماسی نمایشی» به پایان رسیده است. اگر در دهه ۱۹۸۰، نشست ریگان و گورباچف جهان را پای تلویزیون‌ها میخکوب می‌کرد، امروز تصاویر ترامپ در کالسکه سلطنتی شاید فقط در صفحات اینستاگرام و تیک‌تاک دیده شود. رسانه‌های اجتماعی جایگزین تلویزیون‌های انحصاری شده‌اند و مخاطب دیگر مجذوب نمایش‌های رسمی نمی‌شود. امروز سیاست‌مداران می‌دانند که تسلط بر چند شبکه محدود خبری کافی نیست. آنان باید هم‌زمان در فضای پرباهوی مجازی رقابت کنند؛ جایی که ویدئوهای کوتاه، شوخی‌های گزنده یا حتی یک لغزش زبانی می‌تواند پیام اصلی نشست‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد. همین تحول، مراسمی مانند ضیافت‌های سلطنتی را به حاشیه می‌راند و رهبران را به جست‌وجوی شیوه‌های تازه برای رساندن پیام و جلب اعتماد وامی‌دارد؛ اعتمادی که روزبه‌روز سخت‌تر به دست می‌آید.

تصمیم‌گیری متزلزل

بزرگ‌ترین تغییر اما خود ترامپ است. او بارها مواضع خود درباره اوکراین را تغییر داده است؛ واشنگتن‌پست شمارش کرده

تاکنون دست‌کم ۱۹ بار نظر خود را عوض کرده، همین بی‌ثباتی، بیابنه‌ها و توافقه‌ها را بی‌اعتبار می‌کند. رهبران اروپایی نگران‌اند توافق‌های تجاری و امنیتی با بریتانیا نیز همین سرنوشت را پیدا کند.

دیپلمات‌های لندن می‌گویند ترامپ تصمیم‌ها را بیشتر براساس لحظه می‌گیرد تا مشورت کارشناسان. حتی در مذاکرات اوکراین، او به استیو وینکاف، یک سرمایه‌دار املاک نیویورک، تکیه کرده است. نتیجه؟ در نشست آلسکا، ولادیمیر پوتین ابتکار عمل را در دست گرفت و نمایندگان آمریکا غافلگیر شدند.

تضادهای ترامپ و چارلز

ترامپ همواره شفته خاندان سلطنتی بوده و حتی ادعا کرده ملکه فقید او را بیشتر از دیگر رؤسای جمهور دوست داشت. اما رابطه او با چارلز سوم، پادشاه جدید، پیچیده‌تر است. هر دو فقط سه سال اختلاف سنی دارند، اما جهان‌بینی‌شان متفاوت است. چارلز شیفته هنر و طبیعت است؛ ترامپ مرد عمل‌گرای بازار و معاملات.

هر دو نگاه انتقادی به وضعیت کشور خود دارند. اما شعار «عظمت دوباره» ترامپ با باور چارلز که می‌گوید «بریتانیا هرگز از عظمت نینفتاده» تفاوت بنیادی دارد. همچنین سبک زندگی پادشاه براساس سکوت و وقار است، در حالی که ترامپ بی‌پروا انتقاد می‌کند و دشمناناش را هدف حملات لفظی قرار می‌دهد. دربار بریتانیا سال‌ها بر سنت «هرگز شکایت نکن، هرگز توضیح نده» بنا شده است، اما در کاخ سفید امروز، توضیح و کلاه به بخشی از تاکتیک روزمره است. همین تضاد ارزش‌ها، گفت‌وگوی خصوصی آنها را دشوار و سرشار از سوءتفاهم می‌کند.

در چنین شرایطی سفر دوم ترامپ به بریتانیا بیش از آنکه نمایش اتحاد باشد، آینه‌ای از اختلافات و بحران‌هاست. تشریفات رسمی نمی‌تواند بر واقعیت‌های جهانی نقاب بزند؛ جنگی که ادامه دارد، رهبرانی با محبوبیت اندک و شکافی که در اتحاد دیرینه واشنگتن و لندن روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود.

اتحادیه‌های کارگری فرانسه امروز را روز اعتصاب سراسری اعلام کردند

«لکورنو» زیر فشار بودجه

برای تأمین منابع بیاید، بی‌آنکه به سرنوشت مشابه دچار شود. سوسیالیست‌ها بر مالیات بر ثروتمندان اصرار دارند، در حالی که جمهوری‌خواهان مخالف هرگونه افزایش مالیات‌اند. این شکاف نشان می‌دهد هر توافقی شکننده خواهد بود. لکورنو وعده داده «منابع جایگزین» بیابد، اما هنوز برنامه روشنی ارائه نکرده است. در این‌میان کاهش امتیازات مقام‌های سابق فقط صرفه‌جویی اندکی ایجاد می‌کند و قادر نیست حجم بحران را جبران کند. برای دومین اقتصاد بزرگ اتحادیه اروپا، فقدان انضباط مالی می‌تواند جایگاه بین‌المللی و توان رقابتی را تهدید کند.

سیاست‌مدار محتاط

لکورنو ۳۹ساله، از نرم‌اندی برخاسته و دوستانش او را سیاست‌مداری سنتی، منظم و اهل مصالحه می‌دانند. نزدیکانش می‌گویند او در «پوکشیدن موقعیت‌ها» مهارت دارد و با روش تدریجی به دنبال آرام‌سازی فضاست. وفاداری‌اش به مکرون برای برخی نشانه ثبات است و برای برخی دیگر نشانه وایستگی. این دوگانگی می‌تواند در آینده سیاسی‌اش تعیین‌کننده باشد. افکارسنجی‌ها تصویر تیره نشان می‌دهند: فقط ۹ درصد فرانسوی‌ها وضعیت اقتصادی کشور را خوب می‌دانند. این رقم پایین‌تر از همسایگان اروپایی است. مارین لوین شکست نخست‌وزیر تازه را قطعی دانسته و خواستار انتخابات جدید شده است. بیشتر رای‌دهندگان نیز راور ندارند او بتواند میان احزاب مخالف پل بزند یا بودجه‌ای پایدار تصویب کند. فرانسه در وضعیتی است که بی‌اعتمادی اجتماعی، کسری بودجه و انسداد پارلمانی هم‌زمان بر سر دولت سایه انداخته است. برای لکورنو، هر عقب‌نشینی شاید خرید زمان باشد، اما آزمون واقعی در توانایی‌اش برای ساختن توافقی پایدار نهفته است؛ توافقی که فعلاً دور از دسترس به نظر می‌رسد.

مدرک گواهینامه موقت اینجناب اسماعیل قمی جوادی فرزند محمد

به شماره شناسنامه ۲۸۱۱ صادره ازورامین درمقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت صنعتی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره۱۱۱۸۲ تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۶ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس ارسال نماید.

برگ سبز و سند کارخانه سواری پژو تیپ PARSTU5

مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره پلاک انتظامی ۵۷ ط ۲۹۷ ایران ۸۴ شماره موتور 167B0144032 شماره شاسی NAAN11FE6MK152301 بنام **ارمیا دره شیر**ی مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط می باشند.

گزارش

اقدام اتحادیه اروپا علیه اسرائیل

اتحادیه اروپا تصمیم گرفته امتیازات تجاری ویژه اسرائیل را به طور گسترده تعلیق کند و هم‌زمان تحریم‌های تازه‌ای علیه اسرائیل وضع کند. این اقدام در واکنش به جنگ غزه و فشار فزاینده افکار عمومی برای موضع سخت‌تر علیه تل‌آویو صورت گرفته است. اتحادیه اروپا روز گذشته بسته‌ای از اقدامات اقتصادی و سیاسی را به اعضا ارائه کرد. براساس این طرح، حدود ۳۷ درصد از صادرات اسرائیل به اروپا مشمول تعرفه‌های بالاتر خواهد شد. کالاهایی مانند موه و محصولات لاستیکی، از این پس به جای برخورداری از امتیازات پیشین، مشمول نرخ «کشورهای دارای رفتار تجاری برابر» در چارچوب قوانین سازمان تجارت جهانی خواهند شد. این تغییر به معنای بازگشت بخشی از روابط تجاری به سطح دهه ۱۹۹۰ است؛ زمانی که توافقات‌های اولیه میان بروکسل و تل‌آویو امضا شد.

کمیسیون اروپا اعلام کرد این تغییر سالانه حدود ۲۲۷ میلیون یورو درآمد اضافی از محل تعرفه‌ها ایجاد خواهد کرد. صادرات اسرائیل به اتحادیه در سال گذشته ۱۵.۹ میلیارد یورو بود که بخش عمده آن ماشین‌آلات، تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی را شامل می‌شد. مقام‌های اروپایی تأکید کردند این تصمیم به معنای توقف کامل تجارت با اسرائیل نیست و حوزه‌هایی مانند جریان سرمایه یا همکاری‌های گمرکی را در بر نخواهد گرفت. با این حال، کارشناسان می‌گویند افزایش هزینه‌های تجاری می‌تواند در میان‌مدت جایگاه کالاهای اسرائیلی در بازار اروپا را تضعیف کند و شرکت‌های کوچک‌تر را با مشکلات جدی روبه‌رو کند.

این اقدام پس از آن صورت گرفت که اورسلا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، وعده داد اتحادیه پیوندهای تجاری خود را با اسرائیل بازنگری خواهد کرد. او در بیانیه‌ای گفت: «رویدادهای هولناک روزانه در غزه باید متوقف شود. نیاز فوری به آتش‌بس، دسترسی بدون محدودیت کمک‌های بشردوستانه و آزادی همه گروگان‌ها وجود دارد». موضع تازه بروکسل نشان‌دهنده فشار روزافزون افکار عمومی اروپاست که خواهان موضع سخت‌تر علیه تل‌آویو هستند. بسیاری از سازمان‌های مدنی اروپایی نیز با تظاهرات گسترده در پایتخت‌ها، رهبران خود را به اقدام عملی فراخوانده‌اند.

تعلیق امتیازات تجاری اسرائیل باید با رای اکثریت واجد شرایط کشورهای عضو تأیید شود. برخی پایتخت‌های اروپایی نگران پیامدهای سیاسی و امنیتی چنین تصمیمی‌اند و می‌گویند ممکن است روابط دیپلماتیک با تل‌آویو آسیب ببیند. دیپلمات‌ها هشدار می‌دهند اگر اختلاف‌ها پابرجا بماند، تصویب طرح زمان‌بر خواهد شد. با این حال، افزایش تلفات غیرنظامیان در غزه عرصه را بر رهبران اروپایی تنگ کرده و احتمال مصالحه در بروکسل را بالا برده است.



برگ سبز، کارت شناسایی و سند کارخانه خودروی سواری کوئیک مدل ۱۳۹۸ به رنگ سفید به شماره پلاک انتظامی

۵۱ ط ۷۲۴ ایران ۹۴ شماره موتور M15/8796134 شماره شاسی NAS841100K1017820 به نام **خاتم ثمن بر قربانی** مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط می باشند.

برگ سبز و سند کارخانه خودروی سواری سیستم پراید

تیپ جی تی ایکس مدل ۱۹۹۳ به رنگ سرمه ای_ متالیک به شماره پلاک ۸۲ م ۹۲۷ ایران ۴۵ شماره موتور ۷۳۲۰۷۷ شماره شاسی ۵۱۹۸۳۰ به نام **آقای مهر داد طهماسب نژاد** مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط می باشند.